

چهارشنبه ۲۴ / ۶ / ۱۴۰۰ جلسه ۱

موضوع: فقه شعائر / بیان استعمالات کلمه شعائر / معنای لغوی و اصطلاحی شعائر / بررسی تاریخچه بحث

فقه شعائر

در جلسات اول و دوم کلیات مباحث را مطرح می‌کنیم انشاءالله.

دورنمای بحث

بیان استعمالات کلمه "شعائر"

الف) کلمه شعائر بر مضافات مختلفی اضافه شده که در ادامه مصادیق قرآنی آن را بیان می‌کنیم. شعائر در مقام استعمال گاهی مضاف به کلمه مبارکه الله شده است.

- ﴿إِنَّ الصَّافَّ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾^۱

بیان مصادیق از شعائر الهی

- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشُّهُرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامَ يَنْتَعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۲

نهی از عدم احترام به شعائر الهی

- ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۳

- ﴿وَالْبُذُنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۴

بیان وجوب یا استحباب (رجحان) احترام و تعظیم شعائر

ب) گاهی شعائر به کلمه مبارکه اسلام و گاهی دین اضافه شده است. شعائر الاسلام و شعائر دین.

ج) شعائر گاهی به کلمه ایمان و یا مذهب اضافه شده است و یا به کلمه تشیع اضافه شده است. شهادت ثالثه در اذان و اقامه که به نظر ما نه تنها راجح بلکه واجب است تبعاً از بعضی بزرگان از جمله مرحوم آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی.

۱. سوره مبارکه بقره، ۱۵۸.

۲. سوره مبارکه مائده، ۲.

۳. سوره مبارکه حج، ۳۲.

۴. سوره مبارکه حج، ۳۶.

کلام صاحب جواهر

والمسنون في هذا القسم الجهر بالبسملة في مواضع الإخفات في أول الحمد وأول السورة على المشهور بين الأصحاب نقلاً وتحصيلاً شهرة عظيمة كادت تكون إجماعاً بل في التذكرة نسبتها إلى علمائنا مشعراً بدعوى الإجماع عليه كالمحكي عن المعبر، بل في كنز العرفان وعن الخلاف الإجماع عليه صريحاً، بل في الذكري وغيرها أن من شعائر الشيعة الجهر بالبسملة لكونها بسملة ...^۱

(د) تعبیر شعائر حسینی (علیه السلام) است. شعائری که مرتبط با واقعه کربلا، عزاداری و پیرامون حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) می باشد.

شعائر در لغت به چه معناست؟

گاهی به معنای علامت است اگر جمع شعار باشد. علامتهایی که انسان را به یاد خدا بیاندازد، به یاد اسلام و تشیع و یا به یاد مصیبت های وارده بر اباعبدالله الحسین (علیه السلام) بیاندازد.

گاهی شعائر جمع شعیره است. به معنای لباسی که به بدن چسبیده مثل موی بدن که اصطلاحاً به آن لباس زیر گفته می شود. یعنی اینطور علقه عمیق و وثیق بین لباس و بدن چگونه است؟ همانطور علاقه بسیار زیادی به این شعائر و اسلام وجود دارد.

معنای اصطلاحی را عموماً با همان معنای اول که به علامت برمی گردد و جمع شعار بود می سنجند.

تاریخچه بحث

هر مجتمع انسانی شعار و علامتی برای خود داشته است از ابتدا.

قبل از اسلام مربوط به بنی اسرائیل مثلاً که صندوقی در جلوی لشکر خود حمل می کردند به یادمان صندوقی که مادر حضرت موسی (علیه السلام) در رود نیل قرار داد که در این صندوق الواح و نامه های تورات و اشیاء مقدس را نگهداری می کردند و معتقد بودند که هر گروهی که این صندوق همراه او باشد پیروز و غالب در جنگ ها خواهد بود.

اولین شعاری که در اسلام مطرح بوده ظاهراً علی التحقیق عبارت **قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلَحُوا** بوده که از شعارهای مسلمانی بود.

مصادیق شعائر ابتدای اسلام

۱. شعار جنگ احد: شعار اول ابوسفیان در جنگ احد؛ شعار ابوسفیان در جنگ چنین بود: «اعْلُ هُبْلُ، اَعْلُ هُبْلُ» یعنی بالارو ای بت هبل.

شعار اول مسلمانان در جنگ احد: به دنبال آن پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) دستور داد که مسلمانان شعار دهند: «اللَّهُ أَكْبَرُ وَ أَجَلٌ» یعنی خدا برتر و بلند مرتبه است.

۱. جواهر الکلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۹، ص ۳۸۵.

شعار دوم ابوسفیان در جنگ احد: سپس ابوسفیان به مشرکان دستور داد که بگویند: «إِنَّ لَنَا الْغُزَى وَ لَا غُزَى لَكُمْ» یعنی ما بت غزی داریم و شما بت غزی ندارید.

شعار دوم مسلمانان در جنگ احد: پیامبر نیز به مسلمانان دستور داد که پاسخ دهند «اللَّهُ مَوْلَانَا وَ لَا مَوْلَى لَكُمْ» یعنی خدای مولای ماست و شما مولا ندارید.

۲. شعار معاویه و پیراهن عثمان که هم شعار و هم هدف آن باطل بود.

۳. شعار کلامی حق و اراده باطل: مانند خوارج که اینطور می گفتند: «ان الحكم الا لله» که حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: «کلمه حق یراد بها الباطل».

۴. بنا بر مدارک و حیانی پیراهن خونی سید الشهداء (علیه السلام) از مهم ترین شعائر الهی است.

قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ثُمَّ أَمَرَ مُنَادِيًا فَنَادَى غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ نَكْسُوا رُءُوسَكُمْ - حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ ابْنَةُ مُحَمَّدٍ ص الصَّرَاطَ قَالَ فَتَغْضُ الْخَلَائِقُ أَبْصَارَهُمْ فَتَأْتِي فَاطِمَةُ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ نُجُبِ الْجَنَّةِ يُشِيعُهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَتَقِفُ مَوْقِفًا شَرِيفًا مِنْ مَوَاقِفِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَنْزِلُ عَنْ نَجِيبِهَا فَتَأْخُذُ قَمِيصَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع بِيَدِهَا مُضْمَخًا بِدَمِهِ وَ تَقُولُ يَا رَبِّ هَذَا قَمِيصُ وَلَدِي وَ قَدْ عَلِمْتَ مَا صُنِعَ بِهِ - فَيَأْتِيهَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَا فَاطِمَةُ لَكَ عِنْدِي الرِّضَا فَتَقُولُ يَا رَبِّ انْتَصِرْ لِي مِنْ قَاتِلِهِ فَيَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى عُنُقًا مِنَ النَّارِ فَتَخْرُجُ مِنْ جَهَنَّمَ فَتَلْقَطُ قَتْلَهُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع كَمَا يَلْتَقِطُ الطَّيْرُ الْحَبَّ ثُمَّ يَعُودُ الْعُنُقُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ فَيُعَذِّبُونَ فِيهَا بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ ثُمَّ تَرْكَبُ فَاطِمَةُ عَنْ نَجِيبِهَا حَتَّى تَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَ مَعَهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُشِيعُونَ لَهَا وَ ذُرِّيَّتُهَا بَيْنَ يَدَيْهَا - وَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ النَّاسِ عَنْ يَمِينِهَا وَ شِمَالِهَا.^۱

۵. پیغمبر که در سن چهل سالگی به پیغمبری رسید و مردم می آمدند مسلمان می شدند. اما شعار رسمی نداشتند. آمدند گفتند: یا رسول الله! آخر ما باید یک شعاری، یک علامتی داشته باشیم. پس اجازه بدهید طبلی بزنیم. فرمودند: طبل شباهت به ناقوس دارد. می خواهیم مستقل باشیم. اجازه بدهید آتشی روی بام دود کنیم تا شعار ما را بفهمند. از روی این آتشی که دود شده، مسلمان ها جمع شوند و آمار مسلمان ها زیاد شود. جمع کردن ایشان مشکل شده است. اجازه بده سوت بکشیم و طبل بزنیم. آتش دود کنیم. فرمود این ها همه ریشه های تاریخی دارد و ما دوست نداریم تقلید کنیم. در ثانی طبل مفهوم ندارد. آتش کردن، دود کردن مفهوم ندارد. صبر کنیم منتظر یک شعار مغزدار و پرمفهوم باشیم. تا اینکه اذان آمد از طریق وحی و پیغمبر اذان را به بلال حبشی یاد دادند و بلال مؤذن رسمی پیغمبر شد.

۶. نکات بعدی پیرامون پرچم و سرود ملی هر کشور است که از شعائر آن کشور خواهد بود.

و لله الحمد

۱. الأملی، الشیخ المفید، ج ۱، ص ۱۳۰.